

مصاحبه روزنامه اعتماد با یکی از اعضای کمیته هماهنگی

در مورد وضعیت کارگران و مساله اخراج

توضیح: روزنامه ی اعتماد در ارتباط با مساله ی اخراج کارگران، در صفحه ۹ شماره منتشر شده در روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۱، (شماره ۲۳۸۲) در مطلبی تحت عنوان " کارگرانی که رفتند، کارگرانی که آمدند" ، ضمن نقل قول از وزیر کار و نیز نمایندگان مجلس، مصاحبه خود با دو نفر دیگر را نیز در متن گنجانیده است. نخست گفته های علیرضا محبوب دبیر خانه ی کارگر که تشکلی ضد کارگری است و از طرفی، گفته های علیرضا عسگری از اعضای " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" که یکی از تشکل های مستقل جنبش کارگری و در نقطه ی مقابل تشکل هایی مانند خانه ی کارگر که تماما وابسته به سرمایه داری است را نقل کرده است.

از مجموع صحبت هایی که این عضو کمیته هماهنگی به هنگام مصاحبه انجام داده تنها بخش معدودی، در مطلب منتشر شده در روزنامه ی اعتماد، لحاظ شده است. فراتر از این، مفاهیم استفاده شده در متن منتشره، در مواردی، نه تنها عین گفته های این عضو کمیته هماهنگی نبوده بلکه در جاهایی تغییر یافته است. در اینجا نمیخواهیم وارد علت این ماجرا شویم که چرا صحبت های عضوی از یک تشکل مستقل، بدین شکل انتشار یافته است. در متنی که پیش روی شماست میخواهیم محتوی صحبت های انجام شده توسط این عضو کمیته هماهنگی را در اختیار عموم کارگران قرار دهیم. در ادامه نیز متن منتشره در روزنامه ی اعتماد را عینا و بدون تغییر و برای مقایسه ارائه میکنیم.

لازم به توضیح است که نام "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در روزنامه ی اعتماد به اشتباه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری ذکر شده است.

در اصل مصاحبه، موارد زیر توسط این عضو کمیته هماهنگی بیان شده است :

توضیحی درباره ی بحران سرمایه داری و در ادامه، بررسی کلی موج اخراج و بیکارسازی به ویژه در دوره ی منتهی به سال ۹۰ و تشدید آن در ابتدای سال ۹۱ و بررسی و تحلیل کوتاهی از دستمزدهای یک چنم زیر خط فقر؛ با این توضیح که ارقامی مانند ۲۰، ۳۵، ۴۰ و حتا ۵۵ و ۶۰ درصد توسط منابع رسمی مختلف برای نرخ تورم اعلام شده است. اما شورای عالی کار که مطابق با روش سرمایه دارانه ی سه جانبه گرایی حداقل دستمزد را تعیین میکند، با استناد به نرخ تورم ۱۸ درصد، مبلغ ۳۸۹ هزار تومان را برای حداقل دستمزد ماهیانه کارگران در سال ۹۱، تعیین و ابلاغ کرده است. این رقم در حدود یک چهارم زیر خط فقری است که به صورت رسمی اعلام میشود.

هدفمندی یارانه ها منجر به افزایش بیشتر هزینه ی تولید و نیز بالا رفتن قیمت اقلام مصرفی عموم کارگران و مردم شد. در حالی که مبالغ پرداختی به مردم ، حتا در اکثر موارد کفاف پرداخت قبوض برق و آب و تلفن و گاز را هم نمیکرد. آنچه برای کارگران باقی میماند دستمزد های پایین، قیمت های بالا و فشار بیشتر و بیشتری است که بر آنها و اعضای خانواده هایشان وارد میشود.

حذف سوبسید ضمن اینکه از جمله عوامل افزایش قیمت مواد اولیه مصرفی برای تولید شده، همچنین باعث بالا رفتن هزینه ی تولید به واسطه ی بالا رفتن بهای انرژی شده است. در این میان دستمزد کارگران کماکان همان است و حتا در نسبت با افزایش قیمت کالاها- و کاهش بیش از حد قدرت خرید- این دستمزد ها کاهش نیز یافته است. بالا رفتن هزینه ی تولید باعث ورشکست شدن کارگاه ها و بنگاه های اقتصادی خرده پا شده است که نتیجه ی آن اخراج کارگران است. نتیجه ی این روند، قدرتمندتر و درشت تر شدن قطب ثروت در

رده های بالاتر سرمایه داری است. یعنی تعطیلی بخشی از کارگاه ها و بنگاه های اقتصادی خرده پا به معنی ایجاد ضرر در طراز محاسباتی در کلیت طبقه ی سرمایه دار نیست. بلکه تنها با شکل گیری فاز جدیدتری از رقابت مابین سرمایه داران، نبرد به نفع سرمایه داران در رده های میانی و بالا تر تمام میشود. این خود، باعث ایجاد فشار بیشتر بر طبقه ی کارگر است، زیرا سرمایه قطبی شده، به لحاظ سیاسی - مخصوصا وقتی دولت هایی که علاوه بر اینکه حافظ منافع سرمایه هستند، خود بزرگ کارفرما نیز محسوب میشوند- میتوانند با درجات استثمار و عرض اندام سیاسی-نظامی بیشتری طبقه ی کارگر را زیر فشار بگیرند.

به هر صورت، بار بحران سرمایه داری - همانگونه که از قبل و هم اکنون ایجاد ارزش اضافه، - به کارگران تحمیل میشود.

علیرضا عسگری، عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در ادامه تصریح کرده است که راه حل کارگران برای مواجهه با اخراج، اقدامات جمعی آنان است. در صورت عدم اعتراض کارگران به اخراج همکارانشان، سایه ی شوم اخراج از فراز سر آنها گذر نخواهد کرد. " این شتری است که در خانه ی همه خواهد خوابید " .

کارگران اخراجی نیز باید بتوانند با اقدامات دسته جمعی برای احقاق مطالبات خود تلاش کنند. چاره ی گریز ناپذیر کارگران برای کسب هر درجه ی بیشتر از احقاق حقوق و مطالبات شان، تنها در افزایش توان اتحاد شان و ایجاد و یا تقویت تشکل های مستقل و خود ساخته و طبقاتی خودشان است.

[پایان مفاد گفته شده در مصاحبه ی اصلی. روزنامه اعتماد با این عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری]

در ادامه، متن کوتاه شده و " تغییر یافته" ای که در روزنامه ی اعتماد منتشر شده است، میآید. تنها تغییر ما در این متن این است که برای سهولت در یافتن مطلب مورد بحث، بخشی که نقل قول ناقص و تغییر یافته از گفته ای این عضو کمیته هماهنگی است را با خط زیر نشان داده ایم.

کارگرانی که رفتند، کارگرانی که آمدند

اعلام رسمی آمارهای اشتغال، سکوت درباره آمارهای اخراج

روزنامه ی اعتماد، شماره منتشر شده در روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱

اعتماد| رویه ی معمول و عادی که این روزها زیاد دیده می شود: عده یی کارگر اخراجی که پلاکاردها را در دست گرفته اند و جلوی اداره یی، سازمان یا وزارتخانه یی ایستاده اند و می گویند يك نفر جواب زن و بچه گرسنه ما را بدهد. شاید به خاطر هجوم این همه کارگر به تازگی بیکار شده است که دبیرکل خانه کارگر تاکید می کند تنها در سال ۹۰، بیش از ۱۰۰ هزار کارگر، با محیط های کاری خداحافظی کرده اند و به جمع «جویندگان کار» پیوسته اند.

به گفته علیرضا محبوب، در شرایط فعلی، اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه ها، به اشتغال در جامعه ضربه بزرگی خواهد زد. در آن سوی این میدان گسترده و مبهم، دولت به عنوان بزرگ ترین کارفرمای جامعه و همچنین سیاستگذار زندگی نزدیک به ۴۰ میلیون کارگر، آمارهای درست و درمانی از وضعیت بیکاری نمی دهد. به گفته بخشی از بدنه دولت، قوه مجریه سعی کرده سالانه نزدیک به ۲/۵ میلیون شغل ایجاد کند.

هر چند وزیر کار که این اخبار را در سال های گذشته، به بانگ بلند می گفت در آخرین اظهار نظر رسمی خود، درباره تعداد شغل های ایجاد شده، ترجیح داد سکوت کند و تنها با این جمله سر و ته ماجرا را هم بیاورد که «آمارها به زودی اعلام می شود.» ولی ناگفته معلوم است که درصد بالایی از کارگرانی که سال گذشته از کار برکنار شده اند، هنوز نتوانسته اند در جای دیگری به کار مشغول شوند.

به گفته کارشناسان، تعاملات اقتصاد بیمار ایران در سال گذشته، به ویژه شش ماهه دوم سال ۹۰، به همراه یکی دو ماهی که از سال جدید می گذرد، اصلی ترین دلیل برای خانه نشینی کارگران ایرانی است.

به گفته يك عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، بسیاری از کارگران قرارداد سفید، بیمانی دوره بی و بدون قرارداد، بعد از تعطیلات نوروز که به سر کار خود مراجعه کردند، فهمیدند کار تعطیل است و باید به دنبال کار جدید باشند. علیرضا عسگری درباره سرنوشت این کارگران می گوید: «واضح است که تعاملات اقتصادی فعلی جامعه به دلیل هدفمندی یارانه ها، دچار تحول به نفع کارخانجات بزرگ شده است.

این به معنی حذف تعدادی از کارگاه های کوچک و بیکاری عده زیادی از کارگران است، چون بنگاه های اقتصادی کوچک، توان پرداخت هزینه های بالای پس از هدفمندی را ندارند و بیکاری، تهدید هر روزه کارگران این بخش است.»

در این بین، برخی از نمایندگان مجلس نیز با اشاره به احتمال قریب الوقوع اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها می گویند این کار موجب بیکاری فراوان کارگران می شود.

دولت البته تا این لحظه برای اجرای فاز دوم هدفمندی، اقدام عملی برجسته بی نکرده، ولی نزدیک است که خیل بیکاران، با اجرای فاز دوم هدفمندی، افزایش قابل ملاحظه بی را تجربه کند.

آماري از بیکاران نداریم

برخی از جوامع غربی، آمار مربوط به بیکاران را به عنوان یکی از اصلی ترین شاخصه های اقتصادی و اجتماعی کشور خود، به صورت دقیق نگهداری و اعلام می کنند. آنها از بیکاری به عنوان شاخص اصلی رفاه یا بحران در اقتصاد جامعه، یاد می کنند و می گویند باید با دقت بسیاری، آمار مربوط به بیکاران را به روز کنند.

ولی در ایران، این رسم، جایی ندارد. آمار مربوط به بیکاران، تنها در دو لیست رسمی خلاصه می شود: یکی نام نویسان اداره کار هر شهر را می توان به عنوان بیکار در نظر گرفت و دیگری نیز ثبت سوابق مربوط به دریافت بیمه بیکاری کارگرانی که به هر دلیل، از کار خود اخراج شده اند یا کارخانه هایی که تعطیل شده اند.

این آمار نیز به درستی در اختیار رسانه ها قرار نمی گیرد، ولی برخی از کنش های اجتماعی و رسانه بی فعالان این عرصه، نشان میدهد صندوقهایی مانند تامین اجتماعی، بخاطر موج ناگهانی بیکاری عده بسیاری از کارگران، در آستانه ورشکستگی قرار گرفته اند.

بیمه تامین اجتماعی، به عنوان یکی از صندوق های آینده نگری برای کارگران، مدت هاست از نقطه سر به سری گذشته و سال هاست در بحران دست و پا می زند که موج جدید بیکاری ها، تنها به بحران موجود در این صندوق، دامن زده است.

وزارت کار نیز در اعلام تعداد جویندگان کار، نه تنها خست نشان می دهد بلکه به دلیل تغییرات اخیر ساختاری در این وزارتخانه و ادغام دو وزارت تعاون و رفاه اجتماعی در ساختار این وزارتخانه، هنوز شکل و صورت درست و درمانی نیافته است.

در این میان، سیاستمداران و سیاستگذاران عرصه کار و تولید، به این نکته معترفند که اعلام میزان حداقل حقوق زیر ۴۰۰ هزار تومان در جامعه بی که خط فقر در آن، بالای يك میلیون تومان قلمداد می شود، تنها این نکته را اثبات می کند که کارگران شاغل نیز از لحاظ معیشتی، چندان تفاوتی با بیکاران ندارند، به جز اینکه بیکاری، مالیات ندارد، ولی زحمت کارگران شاغل، قبل از پرداخت حقوق، با کسورات قانونی، روبه رو می شود.

[پایان نقل مستقیم از مطلب مندرج در صفحه ی ۹ روزنامه اعتماد در روز]